

## فصلنامه پژوهش‌های حقوقی

این مقاله در ۲۱ آبان ۱۴۰۲ پذیرفته شده است و در شماره ۶۱، دوره ۲۴ (بهار ۱۴۰۴) با کد DOI به شماره 10.48300/JLR.2023.404339.2377 منتشر خواهد شد.

### عدول از تصمیم مجمع عمومی شرکت سهامی؛ بررسی موردی شناسایی سود

- ۱- سید امیرحسام موسوی (نویسنده مسئول)، استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران،  
a.mousavi@soc.ikiu.ac.ir
- ۲- وحید ایمانی رحیم‌لو (نویسنده عهده‌دار)، کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران،  
nimani11369@yahoo.com

#### چکیده

در خصوص ماهیت تصمیمات مجمع عمومی شرکت‌های سهامی تفاسیر متفاوتی ارائه شده است. برخی آن را تصمیم جمعی یکطرفه، برخی ایقاع تشریفاتی جمعی و برخی موافقت نامه جمعی دانسته‌اند. اما آیا از چنین تصمیمی می‌توان عدول کرد؟ از جمله مهمترین تصمیمات مجمع عمومی سالانه شرکت سهامی، تقسیم سود بین سهامداران است. سود شرکت توسط مدیران شرکت شناسایی و محاسبه شده و به تصویب بازرسان قانونی شرکت می‌رسد و ضروری است این موضوع و نحوه تقسیم سود به تصویب مجمع عمومی شرکت نیز برسد. پس از شناسایی سود، میزان شناسایی شده، جزو مطالبات سهامداران از شرکت محسوب گردیده و تاخیر در پرداخت آن مستوجب پرداخت خسارت تاخیر خواهد بود. همچنین در فرضی که سود شناسایی شده به عللی غیرقابل پرداخت گردد، چاره‌ای جز اعلام لغو تصمیم مجمع یا عدول از آن نخواهد

بود اما در فرضی که در خصوص تقسیم سود مانعی وجود نداشته باشد، هیات مدیره و حتی مجمع عمومی به علت نظریه حق مکتسب قادر به عدول از تصمیم خود نخواهند بود.  
کلید واژگان: سود سهام، مجمع عمومی، تاخیر، عدول، بورس.

## ۱- مقدمه

هدف از مشارکت در شرکت‌های تجاری نوعاً کسب سود است. چنین سودی می‌تواند غیر مستقیم تحصیل گردد؛ همانند جایی که هدف فرد یا یک شرکت تحت کنترل قرار دادن شرکت دیگر است و در برخی موارد افراد به دنبال سودی مستقیم از خرید سهام یک شرکت می‌باشند که این سود در قالب بالا رفتن قیمت سهام آن شرکت یا به شکل رایج خود یعنی سود تقسیمی سهم که قاعدتاً سالیانه به سهامداران پرداخت می‌گردد، متبلور می‌شود. ارزش سهام هر شرکت نیز معمولاً با میزان سودی که برای سهامداران خود به ارمغان می‌آورد سنجیده می‌شود و هر چه شرکت سودآورتر باشد، سهام آن شرکت با رغبت بیشتر خریداران مواجه گردیده و حتی در خصوص موضوعاتی همچون تامین مالی این شرکت‌ها از طریق افزایش سرمایه نیز به عنوان یک فاکتور اساسی تلقی می‌گردد.

به هر ترتیب لایحه اصلاحی قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ (از این به بعد به اختصار ل.ا.ق.ت) در مورد سود سهام شرکت‌ها و پرداخت آن به سهامداران در شرکت‌های سهامی حاوی مقررات اندکی بوده و آن طور که بایسته می‌باشد به آن پرداخته نشده است و بسیاری از مفاهیم و موضوعات این حوزه تا زمان حاضر در حاله‌ای از ابهام باقی مانده است. ما در این مقاله ابتدا نگاهی به مفهوم سود خواهیم داشت و سپس ماهیت و چگونگی تصمیم مجمع به پرداخت سود را به بحث نهاده و در ادامه عدول مجمع از تصمیم خود در عالم نظر و رویه قضایی را بررسی می‌نماییم. در این نوشتار تمرکز ما بر حقوق ایران بوده اما در حد امکان اشاره ای به آنچه در برخی دیگر کشورها نیز می‌گذرد خواهیم داشت.

## ۲- مفهوم سود

نقش سود در شرکتهای تجاری آنچنان است که بر اساس برخی تئوری‌ها، هدف اصلی شرکت‌های تجاری را تعقیب سود از زیاد آن دانسته اند که از این تئوری به عنوان نظریه سهام‌دار محور نام برده شده است.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> -عباس طوسی، تحلیل اقتصادی حقوق شرکت‌ها (تهران: انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۳) ص ۲۹۰

هر چند در مقابل امروزه تئوری ذینفع‌گرا که ذینفعان یک شرکت را جمع‌بزرگتری از جمله طلبکاران شرکت، اشخاص ثالث و حتی اجتماع به طور کل می‌داند، رونق بیشتری یافته است.

در لایحه اصلاحی قانون تجارت و همین‌طور در قانون تجارت مصوب سال ۱۳۱۱ تعریفی از سود را نمی‌توان یافت. از لحاظ لغتی سود در مقابل زیان بود که به عربی به آن نفع می‌گویند.<sup>۲</sup> به هر ترتیب هرگاه دارایی فرد یا افرادی بتواند طی فرایند یا عملی و حتی بدون انجام عمل و به طور مثال، به علت شرایط بازار با افزایش مواجه گردد، چنین افزایشی اگر از هزینه‌های صورت گرفته جهت این افزایش فراتر رود و پیشی بگیرد، به مال افزوده شده، سود اطلاق می‌گردد. در حقیقت سود، مازاد درآمدها نسبت به هزینه‌های موجود برای توزیع بین مالکان بنگاه است.<sup>۳</sup>

مفهوم سود در یک مثال ابتدایی و بدون پیچیدگی، بسیار ساده به نظر می‌رسد اما همین که پای فروض پیچیده‌تر به میان می‌آید، مفهوم سود نیز رفته رفته در غبار تردید فرو می‌رود که یکی از این مصادیق پیچیده را در ارتباط با مفهوم سود در شرکت‌های تجاری می‌توان مشاهده نمود؛ مخصوصاً در کشور ما که تورم نیز تاثیر به‌سزایی در مفهوم سود بر جای نهاده است. به طور مثال آیا سود کمتر از نرخ تورم یک شرکت را می‌توان سود محسوب نمود؟ آیا اگر شرکتی از برنامه‌های توسعه‌ای خود عقب مانده و به سود مورد نظر دست نیابد، می‌توان سود بدست آمده را حقیقتاً سود محسوب کرد؟ آیا وجه التزامی که در یک قرارداد از طرف یک شرکت وصول می‌گردد، عنوان سود خواهد داشت؟ به هر ترتیب شاید همین پیچیدگی‌ها موجب گردیده تا قانونگذار خود را در گیر تعریف سود ننموده و به آن نپردازد. امروزه سود، هم در علم حسابداری و هم در اقتصاد دارای معانی خاص خود بوده و با هم متفاوت است. تفاوت دیدگاه اقتصاددانان و حسابداران در مورد هزینه باعث تفاوت سود حسابداری و سود اقتصادی می‌شود.

<sup>۲</sup> - علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه، جلد ۹ (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷)، ۱۰۲۵.

<sup>۳</sup> - واعظ، سید علی، بنایی، رحیم، کیفیت سود: چالش بزرگ حسابداری. نشریه مطالعات حسابداری و حسابرسی، شماره ۳۸، ص

حسابداران به منظور محاسبه استهلاک از روش‌های خطی مستقیم یا تصاعدی استفاده می‌کنند در حالی که علمای اقتصاد از روش مبتنی بر بهره، بهره می‌جویند.<sup>۴</sup> اما در خصوص شرکت‌ها، ملاک عمل همان سود حسابداری بوده و نظر آنان تعیین‌کننده است.<sup>۵</sup> البته در علم حسابداری نیز روش تعیین سود یکسان نیست و استانداردهای متعددی در این خصوص موجود است و بسته به اینکه بر مبنای کدام یک از استانداردها، سود مورد محاسبه قرار گیرد، نتیجه می‌تواند متفاوت باشد.<sup>۶</sup>

اما آیا در هر زمینه می‌بایست سود را طبق نظر کارشناس متخصص حسابداری ملاک عمل قرار داد؟ در خصوص موضوع ما، قانونگذار در ماده ۲۴۱ ل.ا.ق.ت، هیات مدیره شرکت‌های سهامی عام را مکلف نموده که به حساب‌های سود و زیان تراز نامه شرکت، گزارش حسابداران رسمی را نیز ضمیمه کنند و چنین تکلیفی در خصوص شرکت‌های سهامی خاص به چشم نمی‌خورد. اما از لحاظ عملی شرکت‌های دسته اخیر نیز جهت انجام برخی اقدامات همچون ارائه اظهارنامه مالیاتی مکلف‌اند ترازنامه و حساب سود و زیان خود را با رعایت استانداردهای حداقلی حسابداری تنظیم نمایند؛ زیرا در غیر این صورت با مخاطراتی همچون محاسبه مالیات به صورت علی‌الرأس مواجه می‌گردند. همچنین ممکن است شرکتی در سال مالی جاری سودی به دست آورده باشد، اما این سود به علت انباشت زیان سال‌های قبل قابل تقسیم نباشد. پس می‌بایست بین سود قابل تقسیم و سود به نحو کلی قائل به تفکیک گردید.<sup>۷</sup> در مواد ۲۳۷ و ۲۳۹ ل.ا.ق.ت به تفاوت این دو نوع سود به خوبی اشاره شده است. همچنین به نظر می‌رسد منظور از سود ویژه سالانه مندرج در ماده ۹۰ لایحه مذکور، همان سود قابل تقسیم ذکر شده در ماده ۲۳۹ است.<sup>۸</sup>

از لحاظ حقوقی نیز شاید بتوان شناسایی مفهوم سود را در پاره‌ای موارد به دادرس سپرد. به طور مثال در ل.ا.ق.ت در ماده ۲۴۰ قانونگذار به "منافع موهوم" اشاره نموده و در بند یک ماده ۲۵۸ تقسیم چنین سودی را مستوجب حبس تادیبی از یک تا سه سال دانسته است. در خصوص مفهوم منافع موهوم هر چند برخی

<sup>۴</sup> - شهرام روزبهبانی، حسابداری عمومی مقدماتی (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۲)، ۷۵.

<sup>۵</sup> - همان، ۱۲۰.

<sup>۶</sup> - غلامرضا کردستانی و مریم کشاورز هدایتی، «سود حسابداری در برابر سود اقتصادی»، مجله حسابدار رسمی ۱۱۹ (۱۳۹۱)، ۱۷.

<sup>۷</sup> - سید نورالدین صفی‌نیا، درآمدی بر قانون شرکت‌های تجاری در ایران (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۱)، ص ۱۸۷

<sup>۸</sup> - محمد عیسائی تفرشی، حقوق شرکت‌های تجاری، جلد دوم. (تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۵) ص ۱۱۲

حقوقدانان بر مفهوم واقعی سود تکیه نموده‌اند<sup>۹</sup> اما به نظر می‌رسد قانونگذار ما بیشتر نظر به رعایت تشریفات قانونی مرتبط با ترازنامه و تایید بازرسان داشته و حتی در فرضی که سود تقسیمی به معنای واقعی محقق شده اما بدون صورت‌های مالی تقسیم شده باشد نیز می‌توان وقوع جرم تقسیم سود موهوم را محرز دانست. همچنین می‌بایست توجه نمود که جرم تقسیم سود موهوم ویژه شرکت‌های سهامی عام و خاص بوده و در خصوص سایر شرکت‌های ۷ گانه، حداقل تحت این عنوان نمی‌توان مدیران را تحت پیگرد قرار داد.<sup>۱۰</sup> همچنین تا قبل از شناسایی قانونی سود توسط مجمع و تایید بازرسان، الزام شرکت به پرداخت سود با قرار رد دعوی مواجه خواهد شد.<sup>۱۱</sup>

حال آیا دادگاه جهت شناسایی مفهوم سود موهوم، مقید به تفسیری خواهد شد که حسابداران از سود موهوم به وی ارائه می‌دهند؟ به نظر ما در چنین حالتی دادگاه مخیر است چنین تفسیری را پذیرا نگردد و خود رأساً در خصوص اینکه آیا سود پرداختی موهوم بوده یا نه، اتخاذ تصمیم نماید. تحلیل دیگری نیز در این خصوص می‌توان ارائه داد بدین صورت که صرفاً معنای سود در مصادیق پیچیده موکول به ارائه نظر کارشناسان متخصص مالی و حسابداری است، اما صفت «موهوم» بودن سود دارای آنچنان ابهامی است که محتاج تفسیر قضایی بوده و اصولاً کارشناسان رسمی یارای اظهار نظر در خصوص موضوعات قضایی را ندارند و تشخیص نهایی در این خصوص به عهده دادرس است. اما آنچه مسلم می‌باشد آنست که مفهوم سود در ساحت‌های گوناگون، معانی خاصی می‌یابد و چه بسا در ساحت حقوقی معنای ویژه‌ای به خود گیرد.<sup>۱۲</sup>

در پایان لازم به ذکر است که همیشه می‌بایست بین سود و سرمایه مرزهای دقیق را ترسیم نمود، زیرا سرمایه شرکت تحت هیچ شرایطی (به استثناء انحلال شرکت و بر اساس شرایط خاص) قابل تقسیم نخواهد بود.<sup>۱۳</sup> همچنین افزون شدن ارزش اموال شرکت که جزو سرمایه آن بوده است، قابلیت شناسایی به عنوان

<sup>۹</sup> - محمد جعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق (تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۰)، ش ۵۵۳۰

<sup>۱۰</sup> - غلامرضا شهری و سروش ستوده جهرمی، نظریات اداره حقوقی قوه قضائیه در مسائل کیفری (تهران: انتشارات روزنامه

رسمی، ۱۳۷۵) ص ۷۲۹

<sup>۱۱</sup> - یداله بازگیر، موازین حقوق تجارت در آراء دیوان عالی کشور (تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۸) ص ۱۰۸

<sup>۱۲</sup> - Thomson Gale, Encyclopedia of American Law, v3 (New York: Gale, 2004), 4.

<sup>۱۳</sup> - محمد صغری، حقوق بازرگانی، شرکت‌ها (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۰) ص ۵۰

سود را ندارد. به طور مثال چنانچه ارزش زمین شرکت در زمان تاسیس ۱۰ میلیارد ریال بوده اما بعدها به مبلغ ۹۰۰ میلیارد ریال افزوده گردد، بدیهی است چنین افزایش ارزشی، به عنوان سود قابل شناسایی نیست.

### ۳- لزوم پرداخت سود

هر چند ماده ۸۹ ل.ا.ق.ت در ارتباط با وظایف مجمع عمومی نسبت به امور مالی شرکت اشاره‌ای به لزوم تصویب پرداخت سود نکرده است اما از ماده ۹۰ آن می‌تون الزامی بودن پرداخت سود را استنباط کرد. در این ماده قانونگذار مقرر نموده که در صورت وجود منافع، تقسیم ده درصد از سود ویژه سالانه بین صاحبان سهام الزامی است.

پس بر اساس این ماده چنانچه سودی برای شرکت در سال مالی گذشته قابل شناسایی باشد، حداقل ده درصد از این سود می‌بایست بین سهامداران تقسیم گردد. در این ماده قانونگذار به سود ویژه سالانه اشاره نموده که به نظر می‌رسد منظور از سود ویژه سالانه همان سودی است که در سال مالی قبل به دست آمده و شامل سودهای سال‌های قبل از آن که به حساب اندوخته قانونی یا اختیاری شرکت واریز گردیده، نخواهد شد. امروزه در بسیاری از شرکت‌های پیشرفته، شرکت‌ها اجازه یافته‌اند که سودی را بین سهامداران خود تقسیم نمایند. در حقیقت در این شرکت‌ها، هیات مدیره می‌تواند تمام سود کسب شده را در راه توسعه شرکت هزینه نموده و بدین ترتیب شرکت را از لحاظ بنیادی فربه‌تر نمایند. این امر برای سهامداران نیز شاید ارزش افزوده بیشتری نسبت به تقسیم نقدی سود به همراه آورد، زیرا این امر موجب می‌گردد قیمت سهام آنان در بورس با سرعت بیشتری رو به فزونی نهد و سودی را که سهامدار نتوانسته به شکل نقدی به آن نائل آید، در قالب افزایش قیمت سهام به دست آورد.

به هر روی، در خصوص میزان سود پرداختی نیز عرفاً هیات مدیره پیشنهاد خود را به مجمع ارائه داده و مجمع می‌تواند در خصوص پرداخت ده تا صد درصد سود حاصله اتخاذ تصمیم نماید.

اما آیا در اساسنامه می‌توان پیش‌بینی کرد که شرکت حتی بتواند از پرداخت ۱۰ درصد سود حاصله نیز امتناع کرده و تمام سود شرکت صرف هزینه‌های توسعه‌ای نماید؟

در این خصوص به نظر می‌رسد نحوه نگارش ماده و قید «الزام» مقرر در آن مانع از درج چنین شرطی در اساسنامه شرکت خواهد شد.

### ۴- تصمیم مجمع به پرداخت سود و ماهیت آن

بر اساس ماده ۹۰ ل.ا.ق.ت تقسیم سود و اندوخته بین صاحبان سهام فقط پس از تصویب مجمع عمومی جایز می‌باشد. در ماده ۲۴۰ لایحه نیز عنوان گردیده هر گونه سودی که بدون رعایت مقررات این قانون تقسیم شود، منافع موهوم تلقی خواهد شد که به نظر می‌رسد یکی از موارد سود موهوم جایی است که هیات مدیره بدون تصویب مجمع عمومی مبادرت به پرداخت سود نموده باشد<sup>۱۴</sup>. در این ماده همچنین اشاره گردیده که نحوه پرداخت سود را مجمع تعیین خواهد نمود و اگر نحوه پرداخت توسط مجمع تعیین نشود، هیات مدیره می‌تواند نحوه پرداخت را مشخص سازد. اما مشخص نیست منظور از نحوه پرداخت چیست؟ آیا منظور تعیین نوع پرداخت که مثلاً در قالب وجه نقد باشد یا به شکل غیر نقد (مثلاً کالاهای تولیدی شرکت) نیز می‌گردد؟ به نظر می‌رسد با توجه به بخش اخیر ماده ۲۴۰ که بلافاصله پس از اشاره به نحوه پرداخت، مقرر نموده که "ولی در هر حال پرداخت سود به صاحبان سهام باید ظرف هشت ماه پس از تصمیم مجمع عمومی راجع به تقسیم سود انجام شود" چنین تعیین نحوه پرداختی ناظر به تعیین جدول زمانی آن و مواردی همچون پرداخت مستقیم یا از طریق بانک یا واریز به حساب و ... می‌باشد.

مسئله دیگر ماهیت تصمیم مجمع در خصوص پرداخت سود است و این سوال را مطرح می‌سازد که تصمیم مجمع در خصوص پرداخت سود ماهیتی اعلامی دارد یا ایجاد؟ مسلماً تصمیم مجمع عمومی شرکت تاثیری در ایجاد سود ندارد و تحقق یا عدم تحقق سود مربوط به واقعیتی در عالم خارج است که تصمیم سهامداران حاضر در مجمع عمومی تاثیری در آن ندارد.

پس در ارتباط با احراز سود، تصمیم مجمع در واقع مهر تاییدی بر گزارش هیات مدیره و حسابداران شرکت است و صرفاً امری اعلامی است اما در خصوص مجاز ساختن هیات مدیره به پرداخت سود و تعیین درصد سود قابل تقسیم، نظر مجمع امری ایجاد است و این امور بدون تصویب مجمع عمومی در عالم خارج قابل تحقق نخواهد بود. البته در خصوص تاخیر هیات مدیره در پرداخت سود نیز شاید بتوان تصمیم مجمع را دارای اثر ایجاد دانست و قبل از تصویب مجمع نمی‌توان از شرکت خسارات تاخیر درخواست نمود و پس از تصویب مجمع است که شرکت مکلف به پرداخت آن بوده است<sup>۱۵</sup>.

<sup>۱۴</sup> - البته در اینجا به واقع نمی‌توان سود را موهوم دانست زیرا چه بسا سود پرداختی کاملاً تحقق یافته باشد اما ماده ۲۴۰ به علت برخی مصالح، پرداخت سود با عدم رعایت تشریفات را سود موهوم تلقی نموده که شاید بهتر باشد آن را "در حکم سود موهوم" به حساب آورد.

<sup>۱۵</sup> - Annie Chamouland – Trapiers, droit comercia (Paris: Dalloz, 2010), 76.

## ۵- تاخیر در پرداخت سود سهام

قانونگذار ما در قسمت اخیر ماده ۲۴۰ ل.ا.ق.ت، همانطور که ملاحظه شد پرداخت سود به صاحبان سهام را حداکثر ظرف مهلت هشت ماه مقرر نموده است. پس در جایی که مجمع عمومی در ارتباط با نحوه پرداخت سود ظرف زمانی مشخصی را تعیین نکرده باشد اصل بر پرداخت فوری سود است اما با این حال هیات مدیره می‌تواند جدول زمانی حداکثر ۸ ماهه را جهت پرداخت سود سهام به سهامداران به تصویب رساند. اما چنانچه هیات مدیره و یا مدیران اجرایی شرکت در پرداخت سود به هر علتی تعلل نمایند و نسبت به پرداخت سود اقدام نکنند، تکلیف چیست؟

متأسفانه در قانون تجارت ما در این خصوص مقرره‌ای را نمی‌توان یافت و هیچ‌گونه ضمانت اجرایی برای آن تعیین نشده است و در درون ساختار شرکت شاید صرفاً بتوان بر مبنای ماده ۱۵۱ بازرسان را موظف دانست که تخلف مدیران در این خصوص را به مجمع عمومی گزارش نمایند.<sup>۱۶</sup> بر اساس مقررات عام نیز در صورت عدم پرداخت سود یا تاخیر در آن، هر یک از سهامداران می‌تواند اقدام به طرح دعوی بر علیه شرکت نموده و الزام شرکت به پرداخت سود را خواستار گردد. همچنین در این حالت خسارت تاخیر نیز قابل وصول می‌باشد.<sup>۱۷</sup> البته مدیران شرکت می‌توانند عذر موجهی را در این خصوص ارائه نمایند که ممکن است مورد پذیرش دادگاه واقع گردد. همانند فرضی که به علت دعوای مالیاتی، مدیران قادر به برداشت وجه از حساب شرکت نبوده‌اند یا آنکه حساب‌های شرکت توسط طلبکاران توقیف شده باشد.<sup>۱۸</sup> در مورد وصول خسارات تاخیر پرداخت سود از شرکت، در نهایت پرداخت سود نیز به نوعی از کیسه سهامداران انجام می‌گردد و خسارتی که در حقیقت متناسب به مدیران است، از حساب شرکت تادیه می‌شود. لذا در این حالت می‌توان قائل به آن گردید که بر اساس ماده ۱۴۲ ل.ا.ق.ت مدیران شرکت به علت تخلف از قانون مسئول بوده و الزام آنان به جبران خسارات شرکت را می‌توان خواستار شد. البته در خصوص مورد اخیر قانونگذار در ماده ۲۷۶ ل.ا.ق.ت، صرفاً دارنده یا دارندگان یک پنجم سهام شرکت را مجاز در طرح دعوی بر علیه مدیران شرکت دانسته است. در نتیجه اگر سهامداری که مالک چنین درصد

<sup>۱۶</sup> - ماده ۱۵۱: "بازرس یا بازرسان باید هر گونه تخلف یا تقصیری را در امور شرکت از ناحیه مدیران و مدیر عامل مشاهده کنند به اولین مجمع عمومی اطلاع دهند..."

<sup>۱۷</sup> - Paule le cannu and Brano Donder, droit des sociétés (Paris: LGDJ, 2013), 137.

<sup>۱۸</sup> - Ibid, 136.



سهامی نیست، مبادرت به طرح دعوی بر علیه شرکت به خواسته پرداخت سود و خسارات تاخیر نماید، قادر نمی‌باشد در این دعوی یا به صورت جداگانه بر علیه مدیران شرکت نسبت به چنین خسارتی که به شرکت وارد ساخته‌اند، اقدام نماید.

حکم پرداخت سود سهام اخذ شده توسط یک سهامدار نیز صرفاً نسبت به وی دارای اثر است و سهامداران دیگر هر یک ناچار به طرح دعوی جداگانه می‌باشند. در این خصوص در برخی از کشورها حکم تحصیل شده توسط یک سهامدار را قابل استفاده توسط سهامداران دیگر شرکت نیز می‌دانند و حتی یک سهامدار می‌تواند خواسته دعوی خود را به طور کل الزام شرکت به اجرای تصمیمات مجمع و پرداخت سود سهام قرار دهد که در این حالت دادگاه شرکت را به پرداخت سود سهام به طور کلی (و نه صرفاً، به سهامدار خواهان دعوی) محکوم می‌سازد.<sup>۱۹</sup>

در مورد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار به موجب ماده ۵ دستورالعمل انضباطی ناشران پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، ناشر (یا همان شرکتی که سهام وی در بورس عرضه گردیده است) مکلف است سود تقسیم شده مصوب مجمع عمومی را طبق برنامه اعلام شده و با رعایت مهلت قانونی به سهامداران پرداخت نماید. بر خلاف موضع لایحه اصلاحی قانون تجارت، ناشر مکلف است جدول زمان‌بندی پرداخت سود نقدی را حداقل ۱۰ روز قبل از برگزاری مجمع عمومی عادی افشا نماید. لذا این امر قابل واگذاری به هیات مدیره نخواهد بود. جهت ضمانت اجرای این تکلیف نیز چنانچه جدول زمان‌بندی مذکور به مجمع ارائه نشود، این امر تخلف انضباطی محسوب و در بند ۱۰۸ ماده ۲۳ همین دستورالعمل مستوجب تذکر کتبی به ناشر و مدیران ارشد آن خواهد شد و تاخیر در پرداخت سود نیز به موجب بند ۶ ماده ۲۵ موجب محکومیت ناشر و مدیران ارشد به اخطار کتبی با درج در پرونده می

---

<sup>۱۹</sup> - آیا در حقوق ما نیز می‌توان پذیرفت که یک سهامدار بتواند طی یک دعوی الزام شرکت به پرداخت سود کلیه سهامداران را در خواست نماید؟ از یک طرف می‌توان استدلال نمود که عدم پرداخت سود سهام، تخلف مدیران شرکت از امر قانونی است لذا هر سهامداری می‌تواند الزام آنان به انجام تکلیف قانونی را خواستار شود. در مقابل می‌توان طبق ضوابط سنتی حاکم بر دادرسی مدنی استدلال کرد که طرح دعوی از جانب هر فردی محتاج نمایندگی قانونی یا قراردادی فرد است و در این مورد چنین سهامداری فاقد نمایندگی است.

گردد.<sup>۲۰</sup> تکرار چنین تخلفاتی بیش از دو مرتبه بر اساس ماده ۳۷ قانون دستورالعمل مذکور موجب تشدید تنبیه انضباطی و در نهایت موجب «لغو پذیرش» ناشر از بورس اوراق بهادار و به عبارتی اخراج شرکت از بازار سرمایه می‌گردد. البته متأسفانه با توجه به آن که پیوند اصولی و منطقی بایسته‌ای بین مقررات حاکم بر بازار سرمایه و قوانین ماهوی حقوق تجارت فراهم نیامده است، شاید حتی تهدید به اخراج از بورس نیز ضمانت اجرای قوی در این خصوص به حساب نیاید.<sup>۲۱</sup> همچنین بر اساس ماده ۱۵ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید در راستای تسهیل اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی، در صورت خودداری ناشر از پرداخت سود اوراق، در صورت شکایت صاحبان اوراق یا سازمان بورس اوراق بهادار، موضوع در هیات داوری قانون بازار اوراق بهادار طرح و رای صادره در این خصوص از طریق ادارات اجرای اسناد لازم‌الاجرا قابل اجراست. همچنین بر اساس این ماده، سازمان بورس اوراق بهادار نیز می‌تواند بر علیه ناشرینی که اوراق بهادار آنان در بورس مورد پذیرش قرار گرفته است به خواسته الزام به پرداخت سود سهام در هیات داوری سازمان بورس و اوراق بهادار اقامه دعوی نماید. در این ماده، دامنه اجرایی به اوراق بهادار پذیرفته شده در بورس محدود شده و سازمان نمی‌تواند از این اختیار، در خصوص شرکت‌هایی که نزد سازمان ثبت شده (تحت نظارت) اما اوراق آنان مورد پذیرش قرار نگرفته است، استفاده کند.

## ۶- ماهیت و اثر حقوقی شناسایی سود

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که در خصوص سود شرکت‌های قابل طرح می‌باشد، وضعیت حقوقی سود و مالکیت آن پس از احراز توسط مجمع عمومی است که متأسفانه در نوشته‌های حقوقی چندان مورد بررسی و تحلیل قرار نگرفته است. در جایی که ما با یک شخص حقیقی روبرو می‌باشیم، یکپارچگی شخصیت حقوقی و مالی فرد موجب می‌گردد تا وی نتواند در کسب و کار خود به سمت اختصاص حساب‌های جداگانه و مستقل جهت کسب و کار اقدام نماید<sup>۲۲</sup> زیرا سرمایه و سود در قلمرو یک دارایی نمود می‌یابد.

<sup>۲۰</sup> - مطابق این دستورالعمل اخطار کتبی محکومیت سنگین‌تری نسبت به تذکر کتبی محسوب شده و به نوعی مجازات انضباطی درجه ۵ محسوب می‌گردد. جهت ملاحظه انواع این مجازات‌ها مراجعه نمایید به ماده ۲۱ دستورالعمل مذکور.

<sup>۲۱</sup> - جهت مطالعه در خصوص پیوندهای موثر بین قواعد عام تجاری یا مقررات حاکم بر بورس اوراق بهادار مراجعه نمایید به:

Bebchuls, op cit, p 111 -119

<sup>۲۲</sup> - Ominique Vidal, Droit des sociétés (Paris: LGDJ, 2010), 35.

به عبارت دیگر یک شخص حقیقی نمی‌تواند به طور مثال مبلغی را جهت یک تجارت خاص اختصاص دهد و سایر دارایی‌های خود را از ورطه آن تجارت بیرون نهاده تا در صورت عدم سودآوری و ضرر بیش از سرمایه، حاشیه امنی جهت سایر دارایی‌های خود فراهم سازد. لذا چنانچه در آن تجارت خاص سرمایه و آورده وی به باد رود و ضرری بیش از آن متحمل گردد، طلبکاران می‌توانند به تمام اموالی که فرد در اختیار دارد مراجعه نموده و دفاع فرد مبنی بر اینکه صرفاً بخش خاصی از اموالش را به آن تجارت خاص اختصاص داده، پذیرفته نخواهد شد.<sup>۲۳</sup> در چنین حالتی افراد برای رسیدن به این مقصود می‌بایست دست به تاسیس شرکت زنند و با ایجاد یک شخص حقوقی و اختصاص برخی از دارایی‌های خود به آن شخص، زمینه‌ای را فراهم آورند تا سایر اموال و دارایی‌های خود از زیان‌هایی که ممکن است این شخص حقوقی به بار آورد، مصون بماند.<sup>۲۴</sup>

اما در ارتباط با اشخاص حقوقی، سرمایه و دارایی تعلق یافته به شخص حقوقی، منجر به سودی خواهد شد که این سود متعلق به شخص حقوقی نبوده و دارنده آن سهامدارانی می‌باشند که از دارایی آنان، سرمایه شخص حقوقی به دست آمده و تشکیل گردیده است و به عبارتی سرمایه شرکت و سود حاصل از این سرمایه در دو قلمرو مالکیتی جداگانه متبلور می‌گردد.<sup>۲۵</sup> البته در اینجا نظر دیگری نیز وجود دارد که بر اساس آن، تا سود حاصل از سرمایه شرکت به سهامداران عملاً پرداخت نگردد، سهامداران هیچ‌گونه مالکیتی بر آن سود نخواهند داشت.<sup>۲۶</sup> انتقاد وارد شده بر این نظر آنست که مشخص نیست پرداخت عملی سود، از لحاظ حقوقی دارای چه ماهیتی است که قبل از آن، تعلق سود به سهامداران را با انکار مواجه ساخته است و در واقع نمی‌توان ماهیت حقوقی مشخصی برای پرداخت عملی سود در نظر گرفت.<sup>۲۷</sup> همان طور که اشاره شد تحقق سود، امری موضوعی و واقعیتی تحقیقی در عالم خارج است که مجمع عمومی شرکت صرفاً بر آن مهر تایید می‌زند و امری اعلامی قلمداد می‌گردد. لذا سود احراز می‌شود به نظر

---

<sup>23</sup> - Ibid, 34.

<sup>۲۴</sup> - البته چنین مکانیزمی از لحاظ بنیادی با انتقادهایی مواجه است و در برخی از حوزه‌های تجاری، خلاف آن را می‌توان مشاهده کرد. به طور مثال امروزه تاسیس شرکت‌های تک شریک نیز در بسیاری از نظام حقوقی مورد پذیرش قرار گرفته است و افراد می‌توانند با اختصاص بخشی از اموال خود به آن شرکت، سایر دارایی‌های خود را از طلبکاران شرکت مصون نگه دارد.

<sup>25</sup> - Ibidem.

<sup>26</sup> - Paule le cannu and Brano Donder, droit des sociétés (Paris: LGDJ, 2013), 3.

<sup>27</sup> - Ibidem.

می‌رسد جزو اموال سهامداران محسوب شده و عملاً در حساب‌های جداگانه‌ای نگهداری می‌شود. این سود جزو سرمایه شرکت تلقی نگردیده و چنانچه شرکت بخواهد این سود را به سرمایه خود منتقل سازد، ضروری است مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت تشکیل و افزایش سرمایه از طریق انتقال سود تقسیم نشده به سرمایه شرکت تحقق یابد (بند ۳ ماده ۱۵۸ ل.ا.ق.ت).

پذیرش حوزه تحقق سود و انفکاک آن از سرمایه شرکت مخصوصاً در بحث ورشکستگی دارای آثار مهمی است. مطابق لایحه اصلاحی قانون تجارت، همانطور که ذکر شد در صورت شناسایی سود، تقسیم ده درصد از آن بین سهامداران اجباری است و در صورت تصویب پرداخت همین ده درصد یا به طور کل پرداخت سودی کمتر از کل سود حاصله، مازاد سود متعلق به سهامداران در نزد شرکت امانت خواهد بود و شرکت می‌تواند در سال‌های بعد نسبت به پرداخت این سود به سهامداران اقدام نماید. عموماً شرکت‌ها نسبت به ذخیره این سود طی سالیان متمادی اقدام و پس از رسیدن آن به مبلغ قابل توجهی، نسبت به افزایش سرمایه شرکت از محل سودهای تقسیم نشده اقدام می‌نمایند.

حال آیا در صورت ورشکستگی شرکت، سهامداران نسبت به سود تقسیم نشده می‌توانند داخل در غرماء شوند یا آنکه تا بدهی شرکت نسبت به طلبکاران از محل اموال و وجوه در اختیار (اعم از سرمایه شرکت و سود پرداخت نشده سهامداران) پرداخت نگردد، سهامداران حقی در این خصوص نخواهند داشت؟ به نظر ما، همان طور که گفته شد سود تقسیم نشده بین سهامداران جزو دارایی و سرمایه شرکت نبوده و در زمره دیون شرکت به سهامداران تلقی می‌گردد.<sup>۲۸</sup>

وضعیت در خصوص اندوخته‌های شرکت تا حدودی دشوارتر و با ابهام بیشتری روبرو است. قانونگذار در ماده ۱۴۰ ل.ا.ق.ت هیات مدیره را مکلف نموده تا هر سال یک بیستم از سود خالص شرکت را به عنوان

---

<sup>۲۸</sup> . البته شاید این نظر نیز مطرح گردد که وجوه ناشی از سود سهام نزد شرکت امانت بوده و سهامداران می‌توانند بدون آنکه وارد در غرماء گردند نسبت به وصول آن اقدام نمایند. به عبارت دیگر این سود داخل در کلیت اموال شرکت نبوده و به عنوان مال امانی از حوزه اموال تقسیمی شرکت بین غرماء تخصصاً خارج خواهد بود. در این خصوص به نظر می‌رسد با توجه به ماده ۵۲۹ قانون تجارت که صرفاً مال‌التجاره‌های امانی و آن هم در خصوص حق‌العمل کار را مشمول مقررات استرداد دانسته و به وجوهی که افراد به تاجر ورشکسته در خصوص خرید کالاها و اموال (فرض مقابل این ماده) پرداخت نموده‌اند، اشاره‌ای ننموده است و از طرفی مقررات مربوط به استرداد از جمله استثنائات حوزه تسویه اموال ورشکسته محسوب و قابل تفسیر موسع نمی‌باشد، چنین نظری قابل پذیرش نخواهد بود.

اندوخته لحاظ نماید و همین که اندوخته قانونی به یک دهم سرمایه شرکت برسد، ضرورتی جهت ذخیره اندوخته وجود ندارد و مازاد بر آن «اندوخته اختیاری» محسوب می‌گردد.<sup>۲۹</sup> در ماده ۲۳۸ لایحه نیز قانونگذار مجدداً بر رعایت چنین امری تأکید نموده و هر تصمیم بر خلاف آن را باطل محسوب کرده است.<sup>۳۰</sup> متأسفانه قانونگذار ما در لایحه اصلاحی قانون تجارت علی‌رغم شناسایی اندوخته قانونی، به نحوه استفاده و کاربرد آن نپرداخته است و مشخص نیست این اندوخته در چه راهی می‌بایست به مصرف برسد. آنچه مسلم می‌باشد آن است که اندوخته، چه قانونی<sup>۳۱</sup> و چه اختیاری، از محل سود متعلق به سهامداران حاصل آمده است. در ارتباط با اندوخته‌های اختیاری، بر اساس ماده ۲۴۰ لایحه، مجمع عمومی می‌تواند تصویب نماید که وجوهی از محل این اندوخته‌ها به سهامداران پرداخت گردد و به نظر می‌رسد در صورت ورشکستگی شرکت نیز سهامداران نسبت به این اندوخته‌ها، طلبکار از شرکت محسوب و می‌توانند وارد در غرماء گردند.

اما در ارتباط با اندوخته قانونی تکلیف چیست؟ همانطور که گفته شد قانونگذار محل مصرف این اندوخته را مشخص ننموده و صرفاً در تبصره ۲ ماده ۱۵۸ ل.ا.ق.ت انتقال اندوخته قانونی به سرمایه را ممنوع اعلام نموده است، اما آنچه از ظاهر مواد قانون به دست می‌آید آنست که پرداخت هرگونه وجهی از این اندوخته به سهامداران علی‌رغم آنکه از سود آنان حاصل آمده است، ممنوع می‌باشد.<sup>۳۲</sup> در حقیقت قانون سهامداران را موظف ساخته تا از بخشی از سود حاصله شرکت که قاعدتاً می‌بایست بین آنان تقسیم گردد، چشم‌پوشی نموده و آن را به حساب اندوخته شرکت واگذار نمایند.<sup>۳۳</sup>

---

<sup>۲۹</sup> - در حقوق فرانسه نیز تمام شرکت‌های سهامی و همچنین با مسئولیت محدود ملزم به لحاظ اندوخته قانونی (Réserve legal de société) می‌باشند و می‌بایست پنج درصد از سود سالیانه خود را تا رسیدن آن به یک دهم سرمایه شرکت ذخیره نمایند.

این مبلغ می‌تواند صرف توسعه شرکت یا پرداخت دیون و انجام تعهدات گردد. op cit, p 256.

<sup>۳۰</sup> - در ارتباط با مفهوم تصمیم بر خلاف ماده مشخص نیست صرفاً عدم لحاظ اندوخته یا لحاظ اندوخته کمتر از یک بیستم سود خالص مورد نهی قانونگذار واقع گردید یا موضوع نمودن بیش از کی بیستم نیز ممنوع شده است که به نظر می‌رسد ممنوعیت صرفاً شامل فرض نخست می‌گردد.

<sup>۳۱</sup> - بهتر بود قانونگذار ما از اصطلاح اندوخته اجباری در مقابل اندوخته اختیاری استفاده می‌کرد زیرا اندوخته اختیاری را نمی‌توان غیرقانونی محسوب نمود.

<sup>۳۲</sup> - هر چند با توجه به ظاهر ماده ۲۴۰ که به اندوخته به نحو مطلق اشاره نموده شاید بتوان خلاف این امر را ادعا نمود.

<sup>۳۳</sup> - Annie Chamouland – Trapiers, droit comerca (Paris: Dalloz, 2010), 105.

مصرف این اندوخته نیز در راستای انجام تعهدات شرکت و رفع مشکلات مالی شرکت می‌بایست به عمل آید<sup>۳۴</sup> و قانونگذار نیز با پیش‌بینی این اندوخته در صدد بوده است تا صرفاً به سرمایه و دارایی شرکت بسنده ننموده و شرکت‌ها را موظف کرده تا طی یک مکانیزم احتیاطی، مبلغی را به نحو اجباری پس انداز نمایند و به عبارتی قانونگذار، سهامداران را از دریافت بخشی از سهام خود ممنوع کرده است. پس از محل این اندوخته شرکت می‌تواند تعهدات جاری خود را ایفاء نموده و هزینه‌های خود را پوشش دهد. در صورت کسر این اندوخته به نحوی که کمتر از ۵ درصد سرمایه شرکت شود نیز ضروری است سالانه یک دهم سود قابل تقسیم جهت جبران اندوخته لحاظ تا به حد نصاب قانونی نائل آید.

با توجه به توضیحات فوق به نظر می‌رسد در فرض ورشکستگی نیز سهامداران نسبت به اندوخته قانونی، قبل از تادیه دیون شرکت، ذیحق نبوده و از محل این اندوخته ابتدائاً مطالبات طلبکاران پرداخت خواهد گردید و عملاً به عنوان بخشی از دارایی شرکت لحاظ می‌گردد.<sup>۳۵</sup>

#### ۷- عدول مجمع از تصمیم خود

آیا پس از آن که مجمع عمومی شرکت تشکیل گردید و نسبت به تصویب حساب‌های سال مالی و احراز سود و تعیین سود قابل تقسیم اقدام نمود، هیات مدیره می‌تواند به هر علتی مجمع عمومی عادی را مجدداً و به شکل فوق‌العاده تشکیل و اقدام به تغییر مصوبات مجمع عمومی قبلی نماید؟ از لحاظ حقوقی قاعدتاً هر نهادی که در یک زمینه تصمیمی را اتخاذ می‌نماید، همان نهاد نیز می‌تواند به الغای تصمیم خود بپردازد، مشروط بر آن که چنین لغو تصمیمی موجب تضییع حقوق مکتبسه افراد نگردد.<sup>۳۶</sup> در ارتباط با عدول مجمع

<sup>34</sup> - Ibid, 206.

<sup>۳۵</sup> - برخی از حقوقدانان، اندوخته قانونی را از بدهی‌های شرکت به صاحبان سهام دانسته‌اند، در حالی که مشخص نیست اگر این اندوخته ماهیت بدهی دارد، در چه زمانی می‌بایست تادیه گردد؟ (دکتر ربیعا اسکینی، حقوق تجارت، شرکت‌های تجاری، ج ۲، سمت، ۱۳۷۸، ص ۲۰۰) آیا می‌توان پذیرفت که سهامداران در مرحله تسویه شرکت در کنار طلبکاران شرکت نسبت به این اندوخته می‌توانند داخل در غرماء شوند، در حالی که در زمان حیات شرکت به آن حقی نخواهند داشت؟! به نظر ما همانطور که گفته شد مقدار تخصیصی سود سهام به عنوان اندوخته قانونی، قاعدتاً از دارایی سهامداران خارج گردیده و همانند دارایی شرکت با آن رفتار خواهد شد. همچنین در قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ از اندوخته قانونی به سرمایه احتیاطی یاد شده بود که این امر نیز موید تعلق این اندوخته در زمره دارایی‌های شرکت (و نه سهامداران) می‌باشد.

<sup>36</sup> - Yvaine Buffelan and virginie carriban- Terneyre, droit civil, les obligation (Paris: Sirey, 2014), 112.

عمومی شرکت از تصمیم سابق خود در خصوص سودی که می‌بایست به سهامداران پرداخت گردد، می‌توان دو حالت را متصور شد. در یک حالت مجمع عمومی صرفاً به علت توجیحات ارائه شده توسط هیات مدیره و مصالحی که آنان گزارش می‌نمایند، اقدام به عدول از تصمیمات خویش می‌نماید و مورد دیگر جایی است که مدیران شرکت مدعی می‌گردند که به طور کل سود اعلامی دچار تزلزل گردیده و امکان عملی پرداخت آن وجود ندارد. ما در ادامه به هر یک از دو حالت به صورت جداگانه خواهیم پرداخت.

### ۱-۷- عدول اختیاری

ممکن است پس از تصمیم مجمع عمومی، هیات مدیره به این نتیجه برسد که بهتر است سودی که توسط مجمع عمومی تصمیم به پرداخت آن به سهامداران شرکت اتخاذ گردیده، در راه توسعه شرکت هزینه گردد. مسلماً هیات مدیره رأساً قادر نیست از تصمیم مجمع عمومی شرکت عدول نموده و سودی را که مقرر گردیده بین سهامداران توزیع شود، صرف سایر امور نماید. اما آیا می‌توان با دعوت از مجمع عمومی، موضوع جلسه را عدول از تصمیم پرداخت سود نقدی بین سهامداران اعلام کرد؟ البته مجدداً خاطر نشان می‌سازد که بر اساس ماده ۹۰ ل.ا.ق.ت در صورت وجود سود، تقسیم ده درصد از آن بین سهامداران الزامی است. پس فرض مساله جایی است که مجمع عمومی به طور مثال مصوب نموده که ۵۰ درصد سود حاصله بین سهامداران تقسیم گردد اما هیات مدیره درصدد است این میزان را به ۱۰ درصد کاهش دهد. در اینجا شاید بتوان استدلال نمود که مجمع عمومی مرجع اتخاذ تصمیمی بوده که قاعدتاً می‌بایست قادر به عدول آن تصمیم تلقی گردد و همانطور که مجمع عمومی می‌توانست از همان ابتدا تصمیم به پرداخت صرفاً ۱۰ درصد سود حاصله به سهامداران نماید، به همان ترتیب نیز می‌تواند از تصمیم سابق خود که پرداخت ۵۰ درصد سود بین سهامداران بوده است عدول نماید و همانند فرضی است که از همان ابتدا چنین تصمیمی اتخاذ شده است<sup>۳۷</sup>. همچنین در حقوق ما شاید بتوان به اصل جواز و عدم ممنوعیت اشاره نمود که پذیرش این نظر را موجه سازد.

در نقطه مقابل می‌توان استدلال کرد که با تصمیم مجمع عمومی در خصوص پرداخت درصد مشخصی از سود سالیانه به سهامداران، عملاً حقی به نفع سهامداران ایجاد گردیده که لغو چنین تصمیمی، در تضاد با

---

<sup>37</sup> - Paule le cannu and Brano Donder, droit des sociétés (Paris: LGDJ, 2013), 126.

حق مکتسبه آنان است. در قواعد حاکم بر حقوق مدنی نیز چنانچه به موجب قراردادی، حقی به نفع ثالث از سوی طرفین ایجاد گردد، قاعدتاً آنان نمی‌توانند بدون موافقت شخص ثالث، نسبت به آن حقوق دخل و تصرف نمایند.<sup>۳۸</sup> در نتیجه عدول از تصمیم مجمع عمومی ولو اینکه توسط همین مرجع نیز صورت پذیرد، به علت تعارض با حقوق مکتسبه سهامداران پذیرفته نخواهد شد. شاید در مقابل، این نظر استدلال شود که در حقوق اشخاص ثالث، منشاء ایجاد حق یک عمل دو طرفه بوده است، در حالی که منشاء حقوق اشخاص ثالث در خصوص سود شرکت، تصمیم مجمع عمومی است که تصمیمی غیر قراردادی و یک طرفه محسوب می‌گردد.<sup>۳۹</sup>

اما چنین ایرادی به نظر قابل پذیرش نمی‌باشد؛ زیرا آنچه موجب می‌گردد توافق طرفین بر خلاف حقوق اکتسابی اشخاص ثالث پذیرفته نشود، حفظ حقوق ثالث و ممنوعیت دخل و تصرف در حقوق اشخاص بدون اجازه دارنده محق است و منشأ ایجاد حق در این خصوص موضوعیت نخواهد داشت.<sup>۴۰</sup>

## ۲-۲- عدول اجباری

عدول اجباری از تصمیم تقسیم سود زمانی مصداق می‌یابد که مجمع عمومی شرکت، تصمیم پرداخت سود را بر داده‌هایی استوار کرده است که بعداً مبنا و اساس این داده‌ها با ایراد مواجه می‌شود؛ بدین صورت که مشخص می‌گردد ضمن داده‌های اعلامی در گزارش هیات مدیره و حساب‌رسان شرکت اشتباه یا

<sup>۳۸</sup> - ناصر کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، جلد ۳ (تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۰)، ص ۴۱۲.

<sup>۳۹</sup> - در خصوص این موضوع که ماهیت تصمیمات مجامع در کدامیک از طبقه‌بندی سنتی اعمال حقوقی (عقد- ایقاع) قرار می‌گیرند نظر واحدی به چشم نمی‌خورد. برخی از نویسندگان تصمیمات مجامع را ایقاعات جمعی محسوب نموده‌اند، برخی نیز آنرا نوعی از عقود غیرتقابلی دانسته و بعضی دیگر این گونه تصمیمات را دارای ماهیتی خاص که در دسته‌بندی عقد و ایقاعات قرار نمی‌گیرد، به حساب آورده‌اند. (vidal, op cit, p 202) اما آنچه مسلم می‌باشد آن است که اعلام رای سهامداران در مجمع عملی ارادی است که آثار حقوقی را در پی دارد و معایب سلب‌کننده اراده (اکراه و اشتباه)، در این خصوص نیز قابل تصور است (ibid).

<sup>۴۰</sup> - امروزه در حوزه تصمیمات اداری نیز نظریه حق مکتسبه به رسمیت شناخته شده و مقامات دولتی نمی‌توانند بدین استناد که تصمیمات آنان کاملاً بر ساخته و شکل گرفته صرف اراده آنان است از تصمیماتی که حقوقی را برای اشخاص ثالث ایجاد نموده حداقل بدون پرداخت خسارات آنان، عدول نمایند. جهت مطالعه بیشتر در این خصوص رجوع نمایید. , Jean waline, Droit administratif, daolloz, 2011, p 214



اشتباهاتی ذکر شده که این اشتباهات موجب گردیده تا سود اعلامی نیز غیر واقعی شود و در نتیجه تصمیم مجمع عمومی نیز بر همین اطلاعات غلط استوار شده باشد. حال آیا می توان سود حسابرسی شده را اصلاح نمود؟ در تبصره ماده ۲۲۶ قانون مالیات های مستقیم امکان اصلاح اشتباهات درج شده در ترازنامه یا حساب سود و زیان تسلیمی پیش بینی شده است. همچنین هر چند حسابداران و حسابرسان بر اساس استانداردهایی به محاسبه سود می پردازند، اما همانند سایر مشاغل امکان تقلب و کثری را در آن نمی توان منکر گردید.<sup>۴۱</sup> در بسیاری از پرونده های ورشکستگی، رد پای اظهارات غلط بازرسان و حسابداران پیرامون موضوعاتی همچون سود و زیان شرکت ها را می توان مشاهده کرد.

لذا شکی نیست که به هر دلیل ممکن است محاسبه سود ولو بدون تقصیر و تقلب نیز دستخوش تغییر گردد. به طور مثال در ترازنامه و صورت های مالی، سود خالص قابل تقسیم به ازای هر سهم ۲۰۰ تومان اعلام گردیده و مجمع عمومی ده درصد از این مبلغ را به عنوان اندوخته قانونی لحاظ کرده و مقرر می دارد تا مابقی آن (۱۸۰ تومان) بین سهامداران تقسیم شود اما بعداً مشخص می گردد به علت اشتباه حسابرسان یا ساختگی بودن برخی اسناد، سود واقعی قابل تقسیم که ۱۰۰ تومان بوده، به اشتباه ۲۰۰ تومان اعلام شده است.

همچنین در حالتی دیگر ممکن سود خالص اعلامی بر مبنای مفروض گرفتن وقایعی بوده که پس از تصویب مجمع، آن مفروضات دچار تغییر و دگرگونی گردیده و منافع تحصیل شده توسط شرکت، دچار نقصان شود. به طور مثال فرض نماییم شرکت الف که سازنده ورقه های نورد فولادی است اقدام به فروش ۲۰ هزار تن از محصولات خود به شرکت ب نموده و وجه آن را دریافت و کالاها را تولید و به خریدار نیز تحویل داده باشد. حسابرسان شرکت نیز بر مبنای چنین واقعیتی و با توجه به انجام تعهدات از سوی طرفین معامله، سود حاصله از معامله مذکور را در ترازنامه شرکت درج نموده و پس از کسر برخی فاکتورها، مبلغی را به عنوان سود شرکت اعلام می نمایند و فرض کنیم که ۹۰ درصد سود خالص اعلامی نیز ناشی از منافع بوده است که شرکت از قرارداد مذکور تحصیل کرده است. مجمع عمومی نیز تشکیل گردیده و بر همین اساس مقرر می دارد که پس از کسر اندوخته قانونی، مابقی سود بین سهامداران تقسیم گردد، اما پس

<sup>۴۱</sup> - جهت مطالعه در این خصوص مراجعه نمایند به: میرسعیدی، منصور، جوانمردی، محمد، تحلیل جرم اظهار نظر غیر قانونی

بازرس و حسابرس نسبت به اطلاعات مالی ارائه شده، پژوهش حقوق کیفری، شماره ۱۶، ص ۱۴۸-۱۱۷

از برگزاری مجمع و در زمانی که شرکت در حال انجام مقدمات تقسیم سود است، ناگهان نامه‌ای از اداره امور تسویه ورشکستگی وصول می‌گردد که در آن اعلام گردیده با توجه به آنکه خریدار در زمان معامله متوقف بوده است، وجوه اخذ شده ناشی از قرارداد مذکور می‌بایست به اداره تسویه مسترد و فروشنده نسبت به معامله انجام شده در زمره غرماء وارد گردد.

در چنین حالتی آیا هیات مدیره می‌تواند بی‌توجه به دستور اداره تسویه، اقدام به پرداخت سود بین سهامداران نماید؟ در اینجا شاید بتوان در خصوص کشف اشتباه یا ایجاد وضعیت‌های جدید پاسخ داد چنانچه شرکت دارای اندوخته اختیاری باشد، هیات مدیره می‌تواند سود تخصیص یافته به سهامداران را از اندوخته اختیاری برداشت و به آنان پرداخت نماید و ضروری نیست تا سود پرداختی به سهامداران الزاماً از سود ویژه سالانه پرداخت شود. چنین استدلالی را به نظر می‌رسد با توجه به ماده ۲۴۰ ل.ا.ق.ت نمی‌توان پذیرفت، زیرا در این ماده قانونگذار صرفاً به مجمع عمومی اختیار داده تا پرداخت مبلغی از اندوخته‌های شرکت به سهامداران را به تصویب رسانده و ضروری است صراحتاً قید شود که مبالغ مورد نظر از کدامیک از اندوخته‌ها باید برداشت و تقسیم گردد. پس در جایی که مجمع عمومی پرداخت سود ویژه سالانه را تصویب نموده و اجازه برداشت از ذخیره‌ها را صادر نکرده است، هیات مدیره نمی‌تواند طبق نظر خود سودی را که قاعدتاً می‌بایست از محل درآمد سال مالی شرکت پرداخت می‌گردید، از محل ذخیره‌های شرکت پرداخت کند.

به نظر ما در چنین حالتی چاره‌ای به جز دعوت مجمع عمومی و اصلاح تصمیم وجود ندارد. همانطور که گفتیم تصمیم مجمع عمومی در خصوص شناسایی سود ماهیت اعلامی (و نه ایجاد) داشته و وجود یا عدم وجود سود امری است که در عالم خارج تحقق می‌یابد و تصمیم مجمع عمومی صرفاً کاشف از وجود سود می‌باشد و تصمیم مجمع عمومی منحصراً در خصوص نحوه پرداخت و درصد پرداختی سود به سهامداران، دارای اثر ایجاد است<sup>۴۲</sup>. در نتیجه حتی پس از تصویب سود توسط مجمع عمومی و ثبت و انتشار تصمیمات، چنانچه با هر یک از حالات پیش گفته مواجه گردیم، هیأت مدیره ناچار به دعوت مجمع عمومی به نحو فوق و ارائه گزارش در خصوص چنین واقعیاتی است. تصمیم مجمع عمومی در خصوص اصلاح میزان سود پرداختی به سهامداران نیز همانند اصل تصمیم پرداخت سود، همچنان ماهیت

---

<sup>42</sup> - Veronique Mangier and Michel German, *Traité de droit des affaires*, T2 (Paris: LGDJ, 2002), 206.

اعلامی داشته و این طور نیست که اگر مجمع عمومی تصمیم خود را اصلاح نسازد، سود تصویبی دچار دگرگونی نخواهد شد. تشکیل مجمع عمومی و اصلاح تصمیم پرداخت سود صرفاً بدین جهت است که ساز و کارهای حاکم بر مدیریت شرکت رعایت گردیده و تصمیم اتخاذی مجمع عمومی بدون تصویب این نهاد، غیر اجرایی نگردد. به نظر می رسد چاره‌ای به جز پذیرش این نظر نیز وجود ندارد و جبر ایجاد شده راه حل دیگری پیش پای قرار نمی‌دهد.<sup>۴۳</sup>

### ۳-۷- رویه قضایی

در ارتباط با عدول مجمع عمومی از تصمیم خود در خصوص پرداخت سود، تعداد آراء لازم در دست نیست تا به وسیله آن بتوان ادعا نمود که موضع رویه قضایی در ارتباط با این موضوع قابل احراز است، اما پرونده‌ای با این موضوع در شعبه ۳۸ دادگاه عمومی حقوقی تهران تشکیل و مطرح گردیده که تجزیه و تحلیل رأی صادره در این پرونده به نظر مفید خواهد بود. ما در ادامه رأی صادره را عیناً نقل نموده و سپس به نقد آن خواهیم پرداخت.

خواهان: شرکت صنایع ..... سهامی عام با وکالت محمد رضا ..... و مجتبی .....

خوانده: شرکت توسعه و گسترش ..... سهامی عام

خواسته: ابطال صورتجلسه مجمع عمومی

گردشگار: خواهان به شرح بالا به طرفیت خواننده دادخواستی به خواسته فوق اقامه و درخواست رسیدگی به استناد مدارک موجود در پرونده نموده است که پس از قبول دادخواست و ارجاع به این دادگاه و ثبت به کلاس فوق در وقت فوق‌العاده / مقرر شعبه ۳۸ دادگاه عمومی تهران به تصدی امضاء کننده ذیل تشکیل است با بررسی اوراق پرونده به شرح زیر مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی دادگاه

<sup>۴۳</sup> - در اینجا شاید این سوال مطرح گردد که اگر سود تصویبی تقسیم شده باشد تکلیف چیست؟ آیا در این حالت شرکت در مقابل اداره تسویه و ورشکستگی مدیون و مسئول است یا سهامداران دریافت‌کننده سود مکلف به استرداد مبلغ دریافتی می‌باشند؟ همچنین شاید بتوان گفت شرکت در مقابل صاحب حق، مدیون گردیده و سهامداران ملزم به استرداد سود پرداختی نمی‌باشند و شرکت موظف است بدهی خود را از اندوخته قانونی و سایر وجوه در اختیار خود بپردازد.

"در این پرونده شرکت .....سهامی عام به شماره ثبت ..... با وکالت آقایان محمد رضا ..... و مجتبی ..... به طرفیت شرکت توسعه و گسترش منابع ..... سهامی عام دادخواستی تسلیم نموده و ضمن درخواست ابطال مصوبه مجمع عمومی (به نحو فوق العاده) محکومیت خواننده به پرداخت ۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال سود متعلقه به انضمام هزینه دادرسی و تاخیر تادیه را درخواست نموده و اظهار داشته که خواهان دارای پانصد هزار سهم شرکت خواننده می باشد و طی اعلام کتبی خواننده به شماره ۱۱۲۱ مورخ ۸۶/۴/۲۴ مبلغ ۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به عنوان سود سهام به خواهان تعلق گرفته ولی خواننده طی مصوبه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده مورخه ۸۹/۱/۱۵ اعلام کرد چون مبیعه نامه فروش عرصه و اعیان مستحقات کارخانه به شرکت ..... با وی فسخ گردیده مقرر شد که سود سهام تقسیم شده عملکرد سال مالی منتهی به ۸۴/۶/۳۱ به شرکت صنایع ..... پرداخت نگردد. خواننده با وصف ابلاغ قانونی در دادگاه حاضر نشده و لایحه ای هم تسلیم ننموده است که با توجه به اظهارات انعکاسی موضوع به کارشناسی محول گردیده تا کارشناس منتخب دادگاه با ملاحظه اسناد و اوراق و مستندات موجود در شرکت و ملاحظه پرونده ثبتی نسبت به موضوع اظهار نظر کند که نظریه مذکور به شرح وارده شماره ۴۲۲۲ مورخ ۹۰/۹/۶ واصل گردیده و مصون از اعتراض متداعین باقی مانده (است). دادگاه با عنایت به اینکه مراتب تعلق سود به موجب نامه شماره ۱۱۲۱ مورخ ۸۶/۲/۲۴ از سوی خواننده به خواهان اعلام شده و در نامه مذکور هم قید شده که خواهان محدودیتی برای اعمال مالکیت خود ندارد، بنابراین علی رغم اینکه مجمع عمومی فوق العاده ۸۹/۱/۱۵ به صورت قانونی و با رعایت تشریفات قانون تجارت تشکیل یافته ولی برخی از تصمیمات متخذ بر خلاف موجد حق تشخیص داده می شود، چرا که اصولاً حسابرسی های انجام شده در شرکت های سهامی عام که از طریق حسابداران رسمی و مورد تایید وزارت امور اقتصاد و دارایی انجام می شود و همچنین معامله شرکت در شهریور ۱۳۸۴ و فسخ آن در تاریخ ۸۸/۹/۱۴ نبایستی خللی به حقوق مکتسبه صاحبان سهم وارد آورد و به تصریح ماده ۲۳۹ لایحه اصلاحی قانون تجارت، سود قابل تقسیم همان سود خالص سال مالی شرکت منهای زیان های سال های مالی قبلی و اندوخته قانونی مذکور در ماده ۲۳۸ همان قانون و سایر اندوخته های اختیاری به علاوه سود قابل تقسیم سال های قبل که تقسیم نشده است را شامل می شود و سود مورد مطالبه خواهان هم به مجمع عمومی عادی ۸۴/۱۰/۲۸ مورد نظر قرار گرفته و سود مذکور طبق ماده ۲۴۰ قانون فوق ظرف هشت ماه در حق صاحبان سهام منظور می گردد و عدم پرداخت آن به دلیل معاملات دیگر اعم از بیع و یا فسخ آن

قانونی به نظر نمی‌رسد و صرفاً با موافقت خواهان میسر بوده که با توجه به طرح دعوی فعلی، عدم موافقت وی نیز اعلام گردیده؛ بنابراین بخشی از دعوی خواهان محمول بر صحت تشخیص داده می‌شود و حکم به ابطال بخشی از مصوبه مذکور مربوط به بند ۲ مصوبه مجمع که اعلام داشته «سود سهام الباقی سهامداران با توجه به مندرجات فوق پرداخت نگردد» آن هم صرفاً راجع به خواهان صادر و اعلام می‌گردد. ایضاً خواننده به پرداخت مبلغ ۹/۹۵۰/۰۰۰ ریال بابت هزینه ابطال تمبر و مبلغ ۹/۰۰۰/۰۰۰ ریال هزینه کارشناسی و پرداخت مبلغ ۱۳/۲۰۰/۰۰۰ ریال حق الوکاله و کیل محکوم می‌گردد و خواسته خواهان نسبت به مازاد مردود است. رای صادره غیابی و ظرف مهلت بیست روز قابل واخواهی در همین شعبه و بیست روز پس از انقضای مهلت مذکور قابل تجدیدنظر است.

"رئیس شعبه ۳۸ دادگاه حقوقی تهران".<sup>۴۴</sup>

همان طور که مشاهده می‌شود در این پرونده دادگاه نظر به وارد بودن دعوی خواهان داشته و در نهایت نسبت به خواسته اصلی، خواهان را مستحق دانسته است. استدلال دادگاه جهت محکومیت شرکت خواننده دعوی به پرداخت سود بر دو مبنا بنا نهاده شده است دادگاه از یک طرف عدول مجمع از تصمیم خود و لغو تصمیم پرداخت سود را بر خلاف حقوق مکتسبه خواهان دعوی قلمداد نموده و از طرف دیگر ظاهراً پذیرش اینکه قراردادی در سال ۸۴ منعقد گردیده و در سال ۸۸ فسخ شود را ممکن ندانسته است و در نهایت رای به محکومیت خواننده داده است. در این پرونده دادگاه مبادرت به تعیین کارشناس رسمی دادگستری نموده که موضوع کارشناسی آنطور که در رأی مندرج است، ملاحظه اسناد و اوراق مستندات موجود در شرکت و ملاحظه پرونده ثبتی می‌باشد. اما در نهایت مشخص نیست که آیا دادگاه فسخ معامله مورد ادعای شرکت را پذیرفته است یا نه؟ استدلال دادگاه مبنی بر این که قراردادی که در سال ۸۴ منعقد گردیده و در سال ۸۸ فسخ شود تاثیری در پرداخت سود شرکت ندارد نیز قابل پذیرش نمی‌باشد؛ زیرا چه سایه علل قراردادی یا سایر دلایل، بین انعقاد قرارداد و فسخ آن فاصله زمانی طولانی ایجاد نماید، صرف چنین فاصله زمانی را نمی‌توان مانعی جهت پذیرش فسخ قرارداد محسوب نمود و همین امر نیز موجب گردیده تا استدلال دادگاه در نهایت به شکل متناقضی جلوه کند؛ زیرا دادگاه از یک طرف ظاهراً فسخ یا

<sup>۴۴</sup> - محمدرضا زندی، رویه قضایی دادگاههای عمومی حقوقی تهران (تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۲)، ۱۱۹.

عدم فسخ قرارداد را موضوعی تعیین کننده جهت صحت یا عدم صحت لغو تصمیم پرداخت سود به حساب آورده اما از طرف دیگر صرفاً به این دلیل که بین تاریخ انعقاد قرارداد و فسخ آن فاصله‌ای حدوداً چهار ساله ایجاد گردیده، صرفاً با ذکر این امر و بدون تعیین تکلیف اینکه آیا نهایتاً به فسخ قرارداد قانع گردیده یا نه، به قسمت نتیجه‌گیری رأی رهسپار گردیده است. همان طور که گفته شد در خصوص لغو تصمیم پرداخت سود، بین موردی که مجمع عمومی به صورت اختیاری در صدد چنین تصمیمی است و حالتی که به علت واقعیات خارجی چاره‌ای جز لغو تصمیم ندارد، می‌بایست قائل به تفکیک شد و عدم امکان لغو تصمیم را مختص به فرض اول دانست، زیرا در مورد دوم چاره دیگری باقی نمانده و نمی‌توان شرکت را مکلف دانست که سود سهامداران را از سایر دارایی‌های خود از جمله اندوخته قانونی و سرمایه پرداخت نماید. در حقیقت طلب سهامداران از شرکت بابت سود تصویب شده، بر این فرض استوار گردیده که شرکت به نحو واقعی و نه صرفاً اعلامی سودی تحصیل نموده باشد و این سود پس از تصمیم مجمع عمومی تا زمان پرداخت به سهامداران همچنان باقی مانده و به علتی قانونی منتفی نشده باشد. در پرونده مذکور اگر سود اعلام شده توسط شرکت واقعاً بر اثر فسخ آن قرارداد از حساب شرکت خارج شده باشد، تکلیف چیست و اگر شرکت وجوهی برای پرداخت به سهامداران به علت استرداد وجوه دریافتی به طرف قرارداد، در دست نداشته باشد، چه می‌توان کرد؟ آیا صرف رأی دادگاه، علی‌رغم عدم وجود وجه قابل پرداخت نزد شرکت، منجر به رسیدن خواهان دعوی به سود ادعایی سهم خود خواهد شد؟

لذا می‌بایست دادگاه در رأی به نحو دقیق‌تری به دلیل لغو تصمیم پرداخت سود می‌پرداخت و صرفاً به حق مکتسب سهامدار تکیه نمی‌نمود.

همچنین به رأی مذکور دو نقد دیگر نیز می‌توان وارد نمود اول آن که دادگاه در رأی خود تصمیم مجمع عمومی در خصوص عدم پرداخت سود به برخی (الباقی) سهامداران را صرفاً نسبت به خواهان باطل نموده است. در دادرسی مدنی اصل نسبی بودن اثر آراء قضایی حاکمیت داشته و قاعدتاً رأی دادگاه به جز در خصوص طرفین دعوی و قائم مقام قانونی آنان، در حقوق اشخاص ثالث تاثیری نخواهد داشت، اما برخی از دعاوی نیز به طور استثناء به نحوی است که اثر رأی ناخواسته اشخاص دیگری را در بر می‌گیرد که یکی از این گونه دعاوی را در جایی می‌توان یافت که یک تصمیم با بطلان مواجه گردد. در چنین مواردی هر چند خواهان دعوی فرد واحدی است و همه ذینفعان در دعوی حضور نیافته‌اند، اما با این حال

تصمیم دادگاه در این خصوص، لاجرم همه آن ذینفعان را در برخواهد گرفت. در این پرونده مجمع عمومی تصمیم گرفته است که سود مصوب به سهامداران پرداخت نگردد و یکی از سهامداران از دادگاه ابطال آن را درخواست کرده است.

حال آیا منطقی است که ما رای به ابطال مصوبه مجمع عمومب آن هم صرفاً نسبت به یکی از طرفین دعوی دهیم و رای مجمع عمومی را نسبت به سایر سهامداران همچنان دارای اثر بدانیم؟ در مورد ابطال مصوبات مجمع عمومی سهامداران به علت عدم رعایت تشریفات قانونی، در رویه قضایی ما نیز پذیرفته شده است که ابطال مصوبات مجمع عمومی نسبت به تمام سهامداران دارای اثر است و نه صرفاً سهامدار طرح کننده دعوی و به همین ترتیب در دعوی ابطال تصمیم مجمع عمومی به علت تضاد تصمیم با منافع مکتسبه سهامداران نیز نمی توان اثر انحلال تصمیم را صرفاً به سهامدار مطرح کننده دعوی محدود نمود.<sup>۴۵</sup>

البته در صورت پذیرش اثر ابطال تصمیم نسبت به تمامی سهامداران این امر بدین معنی نیست که تمامی سهامداران می توانند با استناد به رأیی که در این دعوی صادر گردیده است به اجرای احکام مراجعه نموده و درخواست صدور اجرائیه کنند، بلکه در اینجا صرفاً باطل بودن تصمیم مجمع محتاج به طرح دعوی نداشته و الزام شرکت به پرداخت سود، محتاج طرح دعوی از سوی هر یک از سهامداران به نحو جداگانه خواهد بود<sup>۴۶</sup> و به نظر می رسد دادگاه به علت عدم تفکیک و اختلاط این دو مطلب، در نهایت به نتیجه گیری غیر قابل توجیهی نائل آمده است.

همچنین در این پرونده آن طور که از فرازهای اولیه رأی پیداست خواهان دعوی علاوه بر سود سهام خود، خسارت تاخیر پرداخت سود را نیز مطالبه نموده اما دادگاه در نهایت صرفاً به اصل سود سهام و خسارات

---

<sup>۴۵</sup> - جهت مطالعه دلایل و همینطور مواردی که اثر نسبی بودن آراء در دعاوی مدنی با استثناء مواجه می گردد رجوع نمایید به:

. Dany cohen, droit et economic du process civil , LGDJ, 2010, P 190 et s.

<sup>۴۶</sup> - البته در خصوص تاخیر شرکت در پرداخت سود و ضرورت طرح دعاوی جداگانه از سوی سهامداران می توان این انتقاد را مطرح نمود که اتخاذ چنین روشی از لحاظ تحلیل اقتصادی قابل توجیه نبوده و منطقی نیز تبعیت از آن را نمی پذیرد و بهتر است رأیی که توسط یک یا چند سهامدار اخذ می گردد، در خصوص تمام سهامداران قابل اجرا باشد. در این خصوص برخی از حقوقدانان استفاده از نهاد دعاوی جمعی collective action را راهکار مناسبی می دانند. Ibid , p 197.

دادرسی و حق الوکاله و کیل رای داده و سایر خواسته‌های خواهان که همان خسارت تاخیر پرداخت است را مردود اعلام نموده است که مشخص نیست چرا دادگاه علی‌رغم پذیرش خواسته خواهان، خسارت تاخیر را مورد پذیرش قرار نداده است.

### نتیجه‌گیری

قانون تجارت ما در ارتباط با امور مالی شرکت‌ها متاسفانه با خلاءهای بسیاری همراه است که از جمله این موضوعات «سود سهامداران در شرکت‌های سهامی» است و بین شرکت‌های سهامی نیز شرکت سهامی عام وضعیت خاص و ویژه‌ای دارد، زیرا در سایر شرکت‌ها، شرکاء و سهامداران عموماً خود در تیم مدیریتی شرکت دارای نقش بوده و کمتر با دعاوی پیرامون سود شرکت مواجه می‌گردیم، در حالی که در شرکت‌های سهامی عام، سهامدارانی که سهام بیشتری از شرکت را در اختیار دارند چه بسا به علت مصالحی که بیشتر به منافع خاص آنان گره خورده است، در خصوص سود سهامدار جزء و خرد مرتکب رفتارهای مخربی گردند.

در لایحه اصلاحی قانون تجارت، قانونگذار از یک طرف مهلتی ۸ ماهه جهت پرداخت سود سهامداران در نظر گرفته که امروز با توجه به گستردگی ابزارهای بانکی و پرداخت‌های الکترونیکی فاقد توجیه است<sup>۴۷</sup> و از طرف دیگر مکانیزم‌های درون شرکتی جهت جلوگیری از تاخیر تیم مدیریتی شرکت در پرداخت سود سهامداران پیش‌بینی نگردیده است و حتی در این خصوص ضمانت اجرای موثری در برخورد با مدیران متخلف پیش‌بینی نشده است.

در ارتباط با شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار نیز هر چند مصوباتی توسط شورای عالی بورس به تصویب رسیده، اما به علت عدم پیوند صحیح مقررات نظارتی بورس با ضوابط ماهوی حقوق تجارت، متاسفانه در عمل نتایج قابل قبولی حاصل نگردیده است. همچنین از لحاظ مقررات دادرسی نیز مکانیزمی پیش‌بینی نگردیده است تا در صورت طرح دعوی از سوی برخی از سهامداران، سایر سهامداران نیز بتوانند از رای حاصله بهره جویند.

---

<sup>۴۷</sup> - متاسفانه در لایحه اصلاحی قانون تجارت که در سال ۱۳۹۰ تهیه گردیده و البته در نهایت تاکنون مسکوت مانده است، مهلت پرداخت سود توسط شرکت ۸ ماه پس از تصویب مجمع ذکر شده و مشخص نیست آیا در این مهلت قداستی نهفته است که پس از گذشت بیش از نیم قرن از زمان تصویب لایحه اصلاحی قانون تجارت ۱۳۴۷، همچنان همین مهلت مورد تبعیت نویسندگان قانون قرار گرفته است!



همچنین در مواردی همانطور که گفته شد شاید مجمع عمومی شرکت ناچار به لغو تصمیم پرداخت سود گردد که می بایست در این خصوص بین فرض لغو اجباری و لغو اختیاری تفکیک قائل گردید و ضروری است در ارتباط با موضوعات فوق، قانونگذار اقدام به تبیین و شفاف سازی نماید.

## فهرست منابع

الف) منابع فارسی:

- اسکینی، ربیعا. *حقوق تجارت؛ شرکتهای تجاری*. جلد ۲. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۸.
- افتخاری، وحید، پروائی، اکبر. *مروری بر مفهوم کیفیت سود و ابهام موجود در تحقیقات آن*. مطالعات حسابداری و حسابرسی، شماره ۱۰، ۱۳۹۳
- بازگیر، یدالله. *موازن حقوق تجارت در آرای دیوان عالی کشور*. انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۸
- دهخدا، علی اکبر. *لغت نامه*. جلد ۹. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر. *ترمینولوژی حقوق*. تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۰.
- روزبھانی، شهرام. *حسابداری عمومی مقدماتی*. تهران: انتشارات نگاه دانش، ۱۳۹۲.
- زندی، محمد رضا. *رویه قضایی دادگاههای عمومی حقوقی تهران*. تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۲.
- شهری، غلامرضا، ستوده جهرمی، سروش. *نظریهای اداره حقوقی قوه قضائیه در زمینه مسائل کیفری*، ج اول، تهران: انتشارات روزنامه رسمی، ۱۳۷۵

- حساس یگانه، یحیی، مداحی، آزاده. اثربخشی فرایند حسابرسی در کشف اشتباهات و تحریف های با اهمیت در صورت های مالی. پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، مجله پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی ۹۹ (۱۳۸۸)
- صغری، محمد، حقوق بازرگانی، شرکت ها. تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۰
- طوسی، عباس، تحلیل اقتصادی حقوق شرکت ها. تهران: انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۳
- عیسائی تفرشی، محمد، حقوق شرکتهای تجاری، ج ۲، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۵
- کاتوزیان، ناصر. قواعد عمومی قراردادها. جلد ۳. تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۰.
- کردستانی، غلامرضا و کشاورز هدایتی، مریم. «سود حسابداری در برابر سود اقتصادی». مجله حسابداری رسمی ۱۱۹ (۱۳۹۱): ۱۹-۱۷.
- میرسعیدی، سید منصور، جوانمردی، محمد. تحلیل جرم اظهار نظر غیر قانونی بازرس و حسابرس نسبت به اطلاعات مالی ارائه شده. مجله پژوهش حقوق کیفری ۱۶
- واعظ، سید علی، بنایی، رحیم. کیفیت سود؛ چالش بزرگ حسابداری. نشریه مطالعات حسابداری و حسابرسی، شماره ۳۸، ۱۴۰۰

(ب) منابع لاتین:

- Chamouland– Trapiers, Annie. *droit comercia*. 2 Ed. Paris: Dalloz, 2010.
- Cohen, Dany. *droit et economic du process civil*. 5 Ed. Paris: LGDJ, 2011.
- Vidal, Ominique. *Droit des sociétés*. 3Ed. Paris: LGDJ, 2010.

- Waline, Jean. *Droit administratif*. 2Ed. Paris: Dalloz, 2011.
- Arye Bebchuk, Lucian. *corporate law and economic Analysis*. 1Ed. Paris: Cambridge university pres, 1990.
- le cannu, Paule, and Brano Donder. *droit des sociétés*. 3Ed. Paris: LGDJ, 2013.
- Gale, Thomson. *Encyclopedia of American Law,v3*. 7Ed. New York: Gale, 2004.
- Mangier, Veronigue, and Michel German. *Traité de droit des affaires*, T2. 3Ed. Paris: LGDJ, 2002.
- Buffelan, Yvaine, and virginie carriban- Terneyre. *droit civil, les obligation*. 5Ed. Paris: Sirey, 2014.